

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲ | تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

شماره صفحه ۱۲۷-۱۴۳

میزان کارآمدی برنامه مصوب آموزش مسکن (طرح معماری ۵) بر اساس انتظارات جامعه حرفه‌ای از فارغ‌التحصیلان رشته معماری بررسی موردی: جامعه حرفه‌ای شهر تبریز*

حامد بی‌تی

استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول مکاتبات)

E-mail: H.beyti@tabriziau.ac.ir

مینو قره‌بگلو

استاد گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

E-mail: M.gharehbaglou@tabriziau.ac.ir

ائلناز نظرزاده عنصرودی

کارشناس ارشد معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

E-mail: E.nazarzadeh@tabriziau.ac.ir

چکیده

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از راه‌های انکارناپذیر در ارتقای کیفیت آموزش، پرداختن به حوزه برنامه‌ریزی درسی است. امروزه عدم آمادگی دانش‌آموختگان جهت ورود به حرفه، حکایت از فاصله بین آموزش دانشگاهی و خواسته‌های حرفه از فارغ‌التحصیلان دارد. این امر ضرورت ارتقاء سطح کیفی آموزش معماری و تربیت معماران و بالا بردن توان حرفه‌ای افراد همگام با نیازهای واقعی جامعه را مشخص می‌سازد. این پژوهش با هدف بررسی برنامه درس طرح معماری ۵، بر اساس انتظارات حرفه از فارغ‌التحصیلان به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که چه رابطه‌ای بین انتظارات حرفه از فارغ‌التحصیلان معماری شهر تبریز در حوزه فضاهای سکونتی و برنامه آموزش طرح معماری ۵ در دانشکده‌های معماری وجود دارد؟ این پژوهش از نوع کیفی با رهیافت تفسیری و به روش داده‌نگر است. ابزار گردآوری داده‌ها مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با معماران حرفه‌ای است و در این راستا ساختار مصاحبه‌ها به روش تحلیل محتوای کیفی و بررسی مقوله‌های مؤثر از محتوای آنها استخراج می‌گردد. نتایج مطالعه حاضر نشان می‌دهد که بعد مهارتی به‌عنوان یکی از اجزاء اصلی برنامه درسی به‌طور کامل در برنامه درسی نادیده گرفته شده است و در بعد دانشی و نگرشی در بحث ضوابط و مقررات و حوزه‌های مخاطب شناسی و جامعه‌شناسی فاصله فراوانی بین حرفه و برنامه درسی وجود دارد.

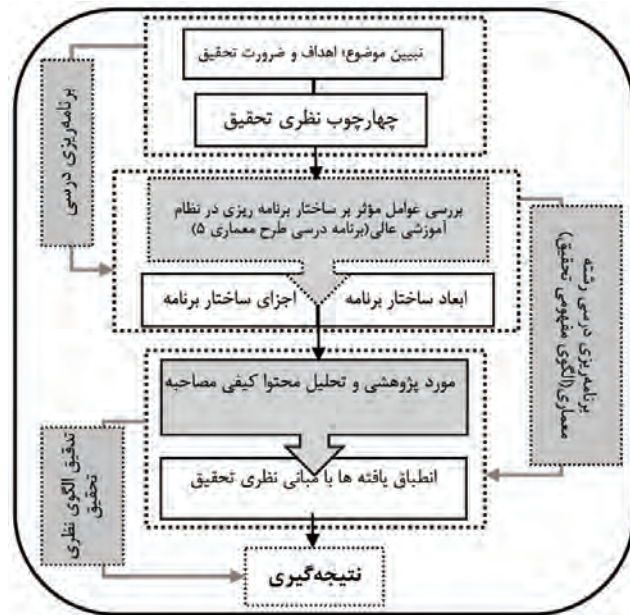
کلیدواژه‌ها: برنامه درسی، ساختار برنامه درسی، آموزش معماری، طرح معماری ۵، مسکن

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی به شماره قرارداد ۹۶۹۸ مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۹ با عنوان «ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری و انتظارات حرفه از منظر فارغ‌التحصیلان در حوزه مسکن» است، که با حمایت مالی دانشگاه هنر اسلامی تبریز انجام شده است.

مقدمه

در جهان معاصر، آموزش عالی نهادی مولد می‌باشد که وظیفه تربیت نیرو، متناسب با نیاز جامعه را دارد. مباحث پیرامون آموزش عالی، رسالت دانشگاه را ایجاد محیط و بستر مناسب برای شکوفایی کشفیات، روشنگری و تفکر نقادانه در میان دانشجویان می‌داند (علی‌الحسابی و نوروزیان ملکی، ۱۳۸۸، ۳۲۳). نظام آموزش عالی به‌عنوان بارزترین نمود سرمایه‌گذاری نیروی انسانی، نقش اصلی را در تربیت و تأمین نیروی انسانی کارآمد بر عهده دارد و برای این منظور برنامه‌های درسی تدوین می‌گردند و هسته اصلی تمام فعالیت‌های آموزشی را تشکیل می‌دهند و می‌بایست پاسخگوی تحولات و نیازهای آموزش باشد. آموزش دانشگاهی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و در حال حاضر بر پایه برنامه ابلاغی شورای برنامه‌ریزی و گسترش وزارت علوم، فنون و فن‌آوری به تربیت دانشجویان معماری می‌پردازد. توانمندسازی افراد فرآیند منظم و هدفمندی است که ظرفیت‌های بالقوه افراد را به بالفعل تبدیل نموده و زمینه‌های رشد فردی، گروهی و توسعه سازمانی را فراهم می‌سازد (Wallace et al., 2011). به‌عبارت‌دیگر توانمندسازی افراد مفهومی مرتبط به تقویت شایستگی‌ها، استعداد ذاتی و رفتار کنشگرایانه فرد به سیاست‌های اجتماعی و تغییر اجتماعی (Bektas & Sohrabifard, 2013) و مرتبط با انگیزه فردی است. این مقاله با فرض اینکه محتوای دروس طراحی مسکن (به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دروس رشته معماری) با انتظارات برنامه رشته معماری از فارغ‌التحصیلان معماری در جامعه معاصر همخوانی ندارد و بین برنامه آموزشی دانشگاه با انتظارات بازار کار از بعد مهارت فنی و علمی تناسب منطقی برقرار نشده است (انتظاریان و طهماسبی، ۱۳۹۰، ۶۰) و امکان آموزش فارغ‌التحصیلان معماری بر اساس انتظار بازار کار در درس طرح معماری ۵ وجود ندارد؛ در این راستا، پاسخ‌گویی به سؤال چه رابطه‌ای بین انتظارات حرفه از فارغ‌التحصیلان معماری در حوزه فضاهای سکونت‌ی شهر تبریز و برنامه آموزش طرح معماری ۵ در دانشکده‌های معماری وجود دارد؟ نشان از اهمیت پاسخگویی آموزش دانشگاهی به نیازهای جامعه و تربیت متخصصان توانمند و شایسته جهت اثربخش بودن آنها است.

این پژوهش در گام اول با رویکرد کیفی با رهیافت تفسیری محتوای ادبیات مبانی نظری تحقیق را مشخص نموده و در این راستا عوامل مؤثر بر ساختار برنامه درسی طرح معماری ۵ را مورد تدقیق قرار می‌دهد و ابعاد و اجزای ساختار برنامه درسی را به‌عنوان مؤلفه‌های شکل‌دهنده استخراج می‌نماید. با توجه به اینکه هدف از پژوهش، شناسایی سنج‌های مؤثر در ساختار برنامه درسی است، بنابراین در گام بعدی ابزار گردآوری داده‌ها، منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه‌های کیفی نیمه‌ساختاریافته^۱ و عمیق است که توسط نگارندگان تنظیم شده است. به کمک تحلیل محتوای مصاحبه‌ها در یک پیمایش میدانی، نسبت به استخراج مؤلفه‌های تأثیرگذار در آموزش و برنامه درسی اقدام شده است.



شکل ۱. ساختار مفهومی پژوهش در فرآیند تحقیق

پیشینه تحقیق

بین مطالعات صورت گرفته در حوزه انطباق برنامه درسی و انتظارات بازار کار از فارغ‌التحصیلان معماری تاکنون پژوهشی صرف در این زمینه صورت نگرفته است، در حالی که حوزه دروس زیستی و مسکن بیشتر از بقیه حوزه‌ها به جنبه کیفی زیست‌محیطی و ارتباط میان فضایی توجه دارد و بیشترین بازار کار را بعد از فارغ‌التحصیلی به خود اختصاص داده است و همچنین چندین تحقیق به صورت عام به نیازمندی‌های بازار کار و توانمندسازی فارغ‌التحصیلان معماری توجه نموده‌اند.

گل‌بهار^۲ (2008) در مقاله «استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در آموزش عالی: مطالعه موردی معلمان و آموزگاران پیش از استخدام» به بررسی میزان استفاده معلمان و مدرسان از فناوری اطلاعات و ارتباطات پرداخته است و بیان می‌دارد که مؤسسات آموزشی به دنبال ایجاد تعامل بین فن‌آوری‌های روز و محتوای دروس هستند.

پاتانکار و جدهاوا^۳ (2013) در مقاله «نقش معلمان در توسعه برنامه تحصیلی برای آموزش معلمان» آموزش را پایه‌ای برای کسب دانش، مهارت و ایجاد نگرش مثبت، ارزش‌ها و باورها می‌داند که می‌توان با کمک برنامه درسی به دست آورد. در این مقاله، نقش معلمان در توسعه برنامه درسی برای آموزش مورد بحث قرار می‌گیرد. الیور و همکاران^۴ (2008) در مقاله «ساختار برنامه درسی: اصول و استراتژی» به دنبال دستورات عمل‌های کلی برای ساخت برنامه درسی است که به کمک مشاوره‌های خاص در مورد اصول یادگیری و تدریس، روند بازسازی و تغییر مدیریت را پیش رو گرفته است و در این بین نمونه‌هایی از فلسفه‌های آموزشی مختلف را ارائه می‌دهد. حسینی و طلوع دل (۱۳۸۷) در مقاله «همگرایی در آموزش محتوای دروس فنی رشته معماری» بر مؤلفه همگرایی و وحدت‌آفرینی به عنوان تأمین‌کننده نیاز واقعی طراحی از جنبه‌های نیارش، بسندگی، پیمون‌واری، بوم‌آوردی و زیبایی‌شناسی و لزوم جلوگیری از انفکاک و فاصله در روند آموزشی طراحی معماری و سازه‌ای و تأسیساتی و محوطه‌سازی تأکید می‌کند و ماندگاری معماری نوین را در گرو روال آموزش همگرا می‌داند. غریب‌پور و توتونچی (۱۳۹۵) در مقاله «ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری دوره کارشناسی در ایران از منظر

توجه به مؤلفه‌های فرهنگی» بر اساس این پرسش که: آیا نظام آموزش معماری در ایران، معماران جوان را برای حل مسائلی بومی منطقه‌ای‌شان و طراحی هوشمندانه در بستر فرهنگی سرزمینشان آماده می‌کند؟ به این نتیجه رسیده‌اند که در محتوای مصوب برای دروس آموزش معماری، به اندازه کافی از ظرفیت‌های هر حوزه برای توجه به مؤلفه‌های فرهنگ استفاده نشده است.

جمیری و همکاران (۱۳۸۹) در مقاله «بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته کارشناسی مهندسی معماری با نیازهای بازار کار در ایران» پیشنهادهایی در زمینه ارائه دروس فنی جهت تربیت فارغ‌التحصیلان معماری با توان بالای حرفه‌ای و منطبق با نیاز بازار کار بیان می‌کند. به نظر وی، طرح‌های معماری ارائه‌شده در دروس طرح باید نمود عملی دروس نظری باشند و به صورت هدفمند آموخته‌های دانشجویان را پوشش دهند.

گلابچی و همکاران (۱۳۸۲) در مقاله «بررسی و ارزیابی آموزش دروس فن ساختمان در رشته معماری» به بررسی توان حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان معماری پرداخته و تقریباً نتایج مشابه با مطالعه جمیری و همکاران را اخذ کرده‌اند. نتایج مطالعه به صورت ۲۷ بند در نتیجه‌گیری ارائه گردیده که شامل پیشنهاد افزایش دروس فنی در برنامه آموزشی کارشناسی معماری، تغییر محتوا و زمان ارائه دروس فعلی، تربیت نیروهای جهت آموزش دروس فنی، استفاده از وسایل کمک آموزشی کارآمد، ارائه اطلاعات به روز فنی و تکنولوژی در واحدهای درسی فنی است.

انتظاریان و طهماسبی (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی میزان هماهنگی و انطباق نظام آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار» ناموزونی عناصر ارکان نظام اجتماعی جامعه را عامل اصلی عدم استفاده فارغ‌التحصیلان از آموخته‌های دانشگاهی در بازار کار می‌دانند و به همین جهت به بررسی هماهنگی و انطباق بازار کار با فرصت‌های شغلی و نظام آموزشی می‌پردازد.

شریعت‌راد و مهدوی‌پور (۱۳۸۷) در مقاله «ارزیابی نقش درس طرح معماری ۴ در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری دانشگاه یزد» با توجه به نیازهای واقعی جامعه و گذشت سال‌ها از آموزش این درس در دانشکده معماری یزد، به بررسی کمی و کیفی سرفصل دروس طراحی معماری (و در اینجا طرح معماری ۴) در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری می‌پردازند و همچنین مهدوی‌پور و شریعت‌راد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «ارزیابی نقش درس طرح نهایی در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری دانشگاه یزد»، بیان می‌کند که هم‌راستا نبودن نیاز جامعه با برنامه آموزش معماران و تأثیر آن بر میزان توانایی دانش‌آموختگان موجب تحقق نیافتن اهداف در کار حرفه‌ای معماری شده است.

خوشنویسان و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی نیاز آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حوزه قابلیت‌های عام اشتغال‌زای مورد انتظار بازار کار با رویکرد کارآفرینی: یافته‌های یک مطالعه آمیخته» به بررسی نیاز آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم انسانی در حوزه قابلیت‌های عام اشتغال‌زای مورد انتظار بازار کار پرداخته است. در واقع کارآفرینی یک عامل مهم و پلی مابین نوآوری و توسعه اقتصاد است و کارکنان متخصص بازوی مدیران سازمان به شمار می‌آیند.

جدول ۱. پیشینه تحقیق

منابع	مفاهیم	نتایج
البور و همکاران (2008) مهدوی‌پور و شریعت‌پور (۱۳۹۱)	دستورالعمل‌های کلی برای ساخت برنامه درسی نیاز جامعه به برنامه آموزش معماران و تأثیر آن بر میزان توانایی افراد	توجه به برنامه‌ریزی درسی
غریب‌پور و توتونچی (۱۳۹۵) غریب‌پور و توتونچی (۱۳۹۵) گل‌بهار (2008) جمیری و همکاران (۱۳۸۹) گلابچی و همکاران (۱۳۸۲)	توجه به مسائل بومی منطقه‌ای توجه طراحی هوشمندانه در بستر فرهنگی ایجاد تعامل بین فن‌آوری‌های آموزشی و محتوای دروس ارائه دروس فنی جهت تربیت فارغ‌التحصیلان معماری پیشنهاد افزایش دروس فنی در برنامه آموزشی کارشناسی معماری	بازنگری در کلیات محتوای دروس
پانانکار و جدهاوا (2013) حسینی، طلوع دل (۱۳۸۷)	نقش معلمان در توسعه برنامه درسی برای آموزش کم کردن فاصله در روند آموزشی طراحی معماری و سازه‌ای و تأسیساتی	اصلاح روش‌های آموزش
انتظاریان و طهماسبی (۱۳۹۰) خوشنویسان و همکاران (۱۳۹۵) شریعت‌پور و مهدوی‌پور (۱۳۸۷) حسینی، طلوع دل (۱۳۸۷)	بررسی هماهنگی و انطباق بازار کار با فرصت‌های شغلی و نظام آموزشی ایجاد قابلیت‌های عام اشتغال‌زای مورد انتظار بازار ارتقا توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری تأکید بر مؤلفه همگرایی و وحدت‌آفرینی به عنوان تأمین‌کننده نیاز واقعی طراحی	تمرکز بر ارتباط با حرفه و بازار کار

تمرکز اصلی مطالعات پیشین بر روی مباحث ساخت و فنی بوده و این مطالعات خواستار تغییرات در محتوا و روش‌های تدریس بوده‌اند. همچنین این مطالعات ارتباط مناسب رشته معماری و حرفه را در گرو آشنایی کافی دانشجویان از مباحث سازه‌ای و فنی ارزیابی نموده‌اند و شناخت از مباحث فنی را لازمه ارتباط مناسب حرفه و آموزش معماری دانسته‌اند. همچنین پیشینه‌ای در حوزه آموزش طرح معماری ۵ یافت نشد.

مبانی نظری تحقیق

ساختار برنامه‌ریزی در نظام آموزشی عالی

برنامه درسی از قابلیت آراستگی و انتظام همانند سایر رشته‌های علمی شناخته‌شده، برخوردار است. شریفیان و مهرمحمدی (۱۳۹۳)، با بررسی معیارهای مختلف یک‌رشته علمی و بررسی نظرات موافق و مخالف در این خصوص، حوزه برنامه درسی را رشته‌ای نرم و زنده، کاربردی و دارای جهت‌گیری‌های فلسفی، اجتماعی و سازمانی تشخیص می‌دهند. نقطه آغاز و مفهوم‌پردازی نظریه برنامه درسی، وجود نوع شناسی‌های مختلف از اجزاء آن و همچنین شکل‌گیری جریان‌های جدید از ابعاد آن، از جمله مواردی است که حوزه برنامه درسی را به لحاظ نظریه و نظریه‌پردازی‌های مختلف پویا و زنده در نظر می‌گیرد. از این‌رو بررسی برنامه آموزش مستلزم توجه به ساختار و ابعاد آن در نظام آموزشی است.

ابعاد ساختار برنامه درسی: برنامه درسی اصلی‌ترین عنصر نظام آموزشی است که سبب ارتقای کیفیت آموزش عالی می‌شود و محتوای آن شامل ابعادی می‌شود که نشأت گرفته از پس‌زمینه ذهنی، خلاقیت درونی افراد و عواملی همچون سلاقی شخصی است که احتمالاً رایج‌ترین شیوه تلاش برای تغییر رفتار محیطی نیز از طریق آموزش آن‌ها است (مک اندرو، ۱۳۹۲، ۳۸۶). در برنامه درسی موجود در نظام آموزشی ایران، سه حیطه محتوایی دانشی، مهارتی و نگرشی قرار دارد که سبب تحقق بخشیدن به ابعاد مختلف برنامه درسی می‌شود.

۱. **دانش:** صاحب‌نظران تجربیات، تصاویر ذهنی، پیشینه‌ها و دانسته‌های علمی که جنبه ذهنی دارند (ندیمی، شریعت‌مدار، ۱۳۹۱، ۱۰)، به عنوان اجزای سازنده دانش معرفی می‌کنند و همچنین دانش به معنی آگاهی‌ها، دانایی‌ها و معلوماتی است که در دسترس یک فرد است و بر اساس آن به قضاوت‌هایی دست می‌زند (گلابچر، ۱۳۸۲).

۲. **نگرش:** نگرش یک حالت از گرایش ذهنی در انسان برای عمل در جهت موافق یا مخالف با یک شی معین و یا شیوه‌هایی از آمادگی در جهت مخالف یا موافق با چیزهاست (احمدی، نریمانی زمان‌آبادی، ۱۳۸۸)، که به عنوان یک دانش ضمنی در قلمرو دانش شخصی هر فرد به صورت شناختی و تجربی وجود دارد. ارزش‌ها، باورها، اصول راهنما، گرایش‌های فرهنگی و ترجیحات زیباشناسانه را عامل سازنده نگرش افراد می‌توان دانست

(ندیمی، شریعت‌مدار، ۱۳۹۱، ۱۰). نگرش در منظومه آموزش معماری نقش ویژه‌ای دارد و می‌تواند توانش‌های پرورش‌یافته و دانش‌های آموخته‌شاکرد در راستای اهداف و نظریه‌هایی معین هدایت‌کند (حجت، ۱۳۹۰، ۲۲).
۳. مهارت: مهارت عبارت است از توانایی‌های قابل‌پرورش شخص که در عملکرد وی منعکس می‌شود. مهارت به کار بردن مؤثر دانش و تجربه شخصی در عرصه‌های گوناگون و به شیوه‌های مختلف توسط افراد کار بلد به افراد مختلف آموزش داده می‌شود. آنچه توانستنی است و می‌توان با تمرین و تجربه به دست آورد، اعم از مهارت در طرح و ترسیم و یا ساختن بنا (حجت، ۱۳۹۳، ۲۰) می‌تواند تعریفی از مهارت افراد شود.

اجزای ساختار برنامه درسی: طبق دیدگاه‌های صاحب‌نظران، عناصر برنامه‌های درسی از یک‌تا نه عنصر متغیر است (Alkin, 1989). معروف‌ترین و جامع‌ترین برداشت از آن، الگوی کلاین (1981) است که در قالب نه عنصر اهداف، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس، مواد و منابع یادگیری، ارزشیابی، زمان، فضا و گروه‌بندی مطرح شده است (فتحی و اجارگاه و شفیع، ۱۳۸۶). اما تقریباً اکثر صاحب‌نظران در مورد چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی اتفاق نظر دارند. از جمله تایلر (1949) که چهار عنصر هدف، محتوا، روش و ارزشیابی را پیشنهاد می‌کند.

۱. هدف: برنامه‌ریزی تنها زمانی صورت علمی و منطقی به خود می‌گیرد که هدف مشخصی را دنبال کند؛ همه فعالیت‌ها در حوزه آموزش باید به استناد هدف‌های تربیتی و برای تحقق آن‌ها صورت گیرد که می‌توانند در برنامه درسی به سه عملکرد ایجاد وحدت، نظم و جهت‌دهی کمک کنند. زیرا اهداف آموزش تابعی از شرایط، زمان، مکان و متأثر از باورها، هنجارهای اجتماعی، دگرگونی‌های اعتقادی و مذهبی و دیدگاه‌های فلسفی است و منجر به تغییر شیوه‌های آموزشی می‌شود.

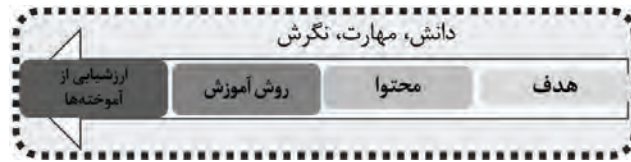
۲. محتوا: محتوا همواره در فرآیند آموزش نقش‌آفرینی می‌کند و ترکیب مطلوب آن با سایر عناصر بر اثربخشی این فرآیند اثر بسزایی خواهد گذاشت. پس از انتخاب محتوا، سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی مطرح می‌شود که در جریان آن برنامه‌ریزان درسی تلاش می‌نمایند تا از اصول سازمان‌دهی محتوا (توالی، مداومت، یکپارچگی، تعادل و وسعت) شیوه‌ای را برگزینند که به مؤثرترین شکل ممکن، موضوعات درسی در سطح عمودی و افقی با یکدیگر ارتباط برقرار کرده، نیل به اهداف برنامه میسر گردد (شکاری، خدادادی، ۱۳۹۰، ۶۰).

۳. روش آموزش: روش تدریس در واقع، راه منظم، با قاعده و منطقی برای ارائه درس است. به کارگیری روش تدریس مطلوب و سازمان‌دهی شده منجر به انتقال شفاف و واضح مطالب، آماده‌سازی کلاس برای تفکر و بحث، توالی منطقی مطالب در هنگام تدریس و در نتیجه یادگیری بهتر، اثربخش‌تر و با کیفیت بالاتر خواهد شد (Schreiber, 2010).

۴. ارزشیابی از آموخته‌ها: به کار گرفتن ارزیابی آموزشی به‌عنوان بازخوردی جهت بهبودی فعالیت‌های آموزشی امری نسبتاً جدید است که هدف آن قضاوت هدف‌ها در فرآیند تدوین و اجرای برنامه درسی است (بازرگان، ۱۳۸۸، ۵۹). هماهنگی موجود بین مفاهیم، اصول، روش‌ها، نظریه‌ها و الگوهای جدید و همچنین نیازهای جامعه و افراد و اهمیت علمی موضوع از عوامل اصلی در ارزشیابی است. ارزشیابی از برنامه‌های درسی و مواد آموزشی عمده‌ترین ملاک پیشرفت تحصیلی یا میزان یادگیری دانش‌آموزان یا دانشجویان است (مؤمنی، ۱۳۸۸).

بررسی رویکردهای مختلف ساختار برنامه درسی، حاکی از آن است که در میان عناصر و اجزای برنامه درسی رابطه معناداری وجود دارد که در یک سیر خطی قرار گرفته‌اند و هر جزء، متأثر از جزء قبلی خود است که در این میان ابعاد مختلف برنامه درسی می‌تواند هر یک به نحوی در آن‌ها تأثیرگذار باشند. در سیر این ساختار خطی در حرکت از هدف تا ارزشیابی آموزش معماری، همواره سه جزء دانش، نگرش و مهارت را از همان ابتدای پروسه برنامه‌ریزی تا انتها در کنار خود دارد تا فرد تربیت شده به گونه‌ای آموزش یافته باشد که در طول

فرآیند بتواند با استفاده از ابزار دانش که به وی داده می‌شود و با بینش شخصی و با داشتن مهارت اثری مبتنی بر آنچه آموزش دیده است بیافریند.



شکل ۲. ماتریس ساختار برنامه درسی

جایگاه دروس طراحی مسکن در برنامه‌ریزی درسی رشته معماری؛ مقطع کارشناسی

آخرین برنامه درسی ملاک عمل دانشکده‌های معماری کشور^۵ رشته معماری مربوط به سال ۱۳۹۵ است^۶ که با تغییرات اندک نسبت به برنامه پیشین (سال ۱۳۷۷) باهدف سوق دادن آموزش به سمت جوابگویی هر چه بیشتر به نیازهای واقعی جامعه و آشنایی دانشجویان با فرهنگ خودی و صحیح معماری و سلامت بخشیدن به سلیقه مردم، توجه به شرایط اقتصادی و فرهنگی و معنا محوری مورد بازنگری شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم تحقیقات و فناوری قرار گرفته است. با توجه به این نکته که افرادی که توسط برنامه آموزشی جدید، فارغ‌التحصیل و وارد جامعه کار عملی نشده‌اند، بنابراین برنامه درسی مصوب قبلی (سال ۷۷) مورد بررسی نگارندگان قرار گرفته است. برنامه درسی مصوب وزارت علوم در تمام دانشگاه‌های کشور اعم از شهر تبریز (دولتی، آزاد، غیرانتفاعی) ملاک عمل است و تمامی دانشکده‌های معماری از یک برنامه واحد تبعیت می‌کنند. اهداف این برنامه اساس برنامه‌ریزی آن است و شامل تربیت نیروهای متخصص و معماران حرفه‌ای است که بتوانند وارد جامعه کار عملی شده و از دانش خود بهره‌گیرند که این موضوع ضرورت انجام این پژوهش را دو چندان می‌کند. بنابراین دوره کارشناسی مهندسی معماری، دوره‌ای است حرفه‌ای که پرورش استعداد خلاقه، انتقال دانش و مهارت‌های عمومی حرفه معماری و حصول کارآیی عمومی در این رشته را هدف قرار می‌دهد (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۷، ۷). بر اساس این برنامه، معماری نوعی عمل خلاقانه است که مقصد آن شکل دادن به فضای زیست انسان در تمامیت‌اش است و گستره آن جوابگویی به نیازهای انسانی در پیوند با محیط و طبیعت تا بیان عواطف و اعتقادات وی است (شورای عالی برنامه‌ریزی، ۱۳۷۵، ۵). برنامه رشته معماری دارای دروس اصلی و تخصصی است که این دروس در سه حوزه مجزای (تاریخ و تئوری / طراحی / فن) تنظیم شده‌اند. از این رو دروس حوزه طراحی به‌خصوص مسکن از مباحث اصلی در آموزش معماری در دوره کارشناسی است که اهمیت آن به سبب ماهیت کاربردی آن در حرفه نیز برای فارغ‌التحصیلان بیش از سایر دروس است.

ساختار برنامه درسی طرح معماری ۵ بر مبنای سرفصل ابلاغی وزارت علوم تحقیقات و فناوری

طرح معماری ۵ تنها تجربه دانشجویان معماری در طراحی مسکن جمعی به‌صورت جدی و حرفه‌ای به شمار می‌رود. هدف این درس قادر ساختن دانشجویان برای طراحی مجموعه‌های مسکونی در مقیاس‌های مختلف با توجه به نیازهای انسانی و تأکید بر تعاملات اجتماعی ساکنین، برحسب شرایط زمینه‌ای بستر طرح است. برای رسیدن به این هدف اتخاذ رویکردی که بتواند ابعاد و اجزای مختلف یک مجموعه مسکونی و قانونمندی‌های روابط میان آنها را در یک کلیت واحد بررسی کند، ضروری است. از این رو برنامه درسی دانش‌های مورد نیاز جهت کسب توانمندی و روش‌های آموزش این دانش‌ها را بیان نموده است.

جدول ۲. ساختار درسی طرح معماری ۵ در برنامه درسی رشته معماری

ارزشیابی از آموخته‌ها	روش آموزش	محتوا	هدف	ساختار طرح معماری ۵	
				دانش	تجربه
ارائه‌های کلاسی دانشجویان • تحویل مطالعات و مدارک طراحی پروژه	اجرای سمینار و مباحث نظری توسط مدرس کارگاه • جمع‌بندی و تکمیل مبانی نظری ارائه شده در مباحث کلاسی • توجه دانشجویان بر محتوای درسی چون تحلیل فضای شهری، تنظیم شرایط محیطی و انسان، طبیعت و معماری • ارائه چند اسکیس یا طرح اجمالی با موضوع مؤلفه‌های مهم به مساله مسکن	تفکیک مناسب عرصه‌های اجتماعی (توجه به مباحث حریم و قلمرو) توجه به حوزه‌های رفتاری و تفکیک عرصه‌ها • پیچیدگی کافی در طراحی • طراحی ترکیب حجمی و سازمان‌دهی کالبدی • توجه به مباحث شناخت و تحلیل فضای شهری • توجه به اصول و روش‌های درست و متناسب با موقعیت و ویژگی‌های سایت • طراحی اقلیمی مسکن • توجه به نظام سلسله مراتبی در ارتباط با یافت • قابلیت تغییر و تکامل الگوها برای انطباق بر شرایط و موقعیت‌های متفاوت • واحدها به صورت الگوهای اصلی و فرعی • توجه به کالبد مجموعه • فضاهای جمعی مستقل از فضاهای مسکونی • نوع سازمان‌دهی مجموعه • فضاهای جمعی • هماهنگی واحدها و گروه‌های ساختمانی • برقراری ارتباط مستقیم با عناصر و مظاهر طبیعت از طریق طراحی	توجه به حوزه‌های رفتاری در مقیاس فرد، خانواده و همسایگی • برآورده ساختن نیازهای ساکنین • توجه به جنبه‌های هویتی • توجه بر رفتارهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی خانوار و جامعه مورد طراحی • ارتباط بصری و ادراکی با طبیعت و محیط • بالا بردن کیفیت معماری	علوم رفتاری	مباحث هنری
				مباحث شهرسازی	
_____	_____	_____	_____	مخاطب شناسی	مباحث زمینه‌ای
_____	_____	_____	_____	طبیعت‌گرایی	
_____	_____	_____	_____	تربیت معمار	_____
_____	_____	_____	_____	_____	مهارت

روش تحقیق

در این پژوهش و به روش مصاحبه که دارای بیشترین کاربرد در پژوهش‌های کیفی است، پژوهشگر بر اساس اهداف خود و دستیابی به سودمندترین نمونه‌ها، مطلع‌ترین افراد را انتخاب می‌کند که بتواند به سؤالات تحقیق پاسخ دهند (Corbin & Strauss, 2008). به این صورت که ابتدا سؤالات کلی برای شروع مصاحبه مطرح و بر اساس پاسخ نمونه‌ها، روند مصاحبه هدایت می‌شود. مصاحبه‌ها در محل کار مشارکت‌کنندگان انجام شد که مدت زمان هر مصاحبه بر حسب شرایط و تمایل شرکت‌کنندگان به طور میانگین ۳۰ دقیقه به طول می‌انجامید. در این پژوهش جهت تحلیل داده‌ها از شیوه کدگذاری استفاده شد که مفاهیم پس از ضبط مصاحبه‌ها و تبدیل آنها به متن در قالب مقوله‌های عمده طبقه‌بندی شدند. در مرحله بعد مفاهیم تولید شده در مرحله قبل با یکدیگر مقایسه گردید تا یک محور مشترک برای ایجاد مقوله به دست آید و به وسیله عوامل مؤثر در ابعاد ساختار برنامه درسی (به عنوان متغیرهای مستقل) به تبیین میزان انطباق داده‌ها و مدل مفهومی تحقیق پرداخته شود. در تحلیل محتوای کیفی، روش کار منطبق بر معانی بنیادین است در واقع محتوای پنهان مصاحبه مورد توجه است و به این دلیل، نگاه عمیق‌تر و مفهومی‌تر به عبارات داده‌ها دارد زیرا ادراکات و تفاسیر پژوهشگر از یک معنای ارتباطی کدگذاری می‌شود (عادل مهربان، ۱۳۹۴، ۴۰-۳۷). جامعه آماری گروه تخصصی معماری، مدیران عامل شرکت‌های مشاور معماری فعال در حوزه طراحی مسکن و متخصصین سازمان نظام مهندسی ساختمان آذربایجان شرقی می‌باشند که به دلیل سهولت در برقراری ارتباط افراد از شهر تبریز می‌باشند و همچنین به روش نمونه‌گیری هدفمند^۷ و با بیشترین تنوع^۸ انتخاب شده‌اند. این افراد دارای تجربه طراحی در زمینه مسکن و همچنین تدریس طرح معماری ۵ بودند. تعداد جامعه آماری

در مرحله مصاحبه به وسیله اشباع نظری^۹ میزان نمونه‌ها تعیین گردید (سیدمن، ۱۳۹۵، ۹۳) به گونه‌ای که در این وضعیت هیچ داده بیشتری یافت نشد که به وسیله آن بتوان ویژگی‌های مقوله را بسط داد و داده‌هایی مشابه چندین بار تکرار شد و اطمینان حاصل شد که یک مقوله به کفایت رسیده است. تعداد جامعه آماری افراد مصاحبه‌شونده در این پژوهش ۱۲ نفر است. برای پایایی کدگذاری از نظارت مستقیم اساتید خبره در زمینه روش تحقیق کیفی بهره‌گیری شد. موارد مورد پرسش از افراد حرفه کاملاً در ارتباط با ساختار اجزاء و ابعاد برنامه درس طرح معماری ۵ مصوب وزارت علوم بود که شامل سه سؤال محوری اصلی بود: ۱. از دیدگاه شما کدام یک از حوزه‌های دانشی مربوط به رشته معماری می‌تواند برای یک معمار در طراحی (الزاماً محیط‌های مسکونی) مؤثر واقع شود؟ ۲. علاوه بر موضوع دانشی که فرد به‌عنوان سواد دانشگاهی دارد، چه حوزه دیگری را نیز مهم می‌دانید؟ ۳. تا چه میزان سابقه کار، مهارت و تجربه عملی فرد در این زمینه می‌تواند دارای اهمیت باشد؟ نتایج مصاحبه‌ها بعد از پیاده‌سازی کدگذاری شده و مقوله‌بندی گردید (جدول ۳).

یافته تحقیق

همان‌طور که عنوان شد، جهت یافتن انتظارات حرفه از فارغ‌التحصیلان معماری در حوزه طراحی مسکن، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با اهالی حرفه انجام گرفت. مقوله‌های اصلی مورد استناد مربوط به حوزه‌های رفتاری، فنی، هنری، نظری و مسائل مربوط به ضوابط و مقررات ملی ساختمان در بعد دانشی؛ حوزه‌های جامعه‌شناسی و مخاطب‌شناسی و تربیت و شناخت معمار در بعد نگرشی؛ و کارآموزی و ارتباط با حرفه در راستای کسب تجربه عملی در بعد مهارت بودند.

• **دانش** تحلیل نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد که از منظر حرفه، حوزه‌های خاصی از دانش اهمیت دارند. این حوزه‌ها شامل: حوزه‌هایی رفتاری کاربران در محیط، علوم فنی در طراحی، علوم مربوط به حوزه تاریخ و هنر، اصول طراحی و منظر، مباحث طراحی شهری و شهرسازی و همچنین ضوابط و مقررات مربوط به سازمان نظام‌مهندسی و شهرداری می‌شوند که الزاماً تأکید برنامه بر آموزش آنها نیست.

علوم رفتاری: علوم رفتاری شامل حوزه رفتاری افراد، تعاملات اجتماعی، قلمروپایی در فضاهای جمعی و خصوص می‌گردد که هم‌زمان مورد تأکید حرفه و برنامه درسی است. مصاحبه‌شونده شماره ۹ در این ارتباط چنین عنوان نمود: «طراحی فضاهای جمعی و عمومی (بسترهای جدید اجتماعی) می‌تواند سبب تعاملات اجتماعی شود که امروزه در فضاهای مسکونی نقش کمرنگ‌تری دارد و به این علت باید مورد توجه قرار گیرد».

حوزه فن و سازه‌ای: حرفه مباحث فنی و سازه‌ای را از عوامل مؤثر در طراحی حوزه مسکن قلمداد می‌کند. از منظر حرفه مصالح-شناسی و آشنایی با جزئیات اجرایی در مباحث ترسیمی و نقشه‌کشی و سیستم‌های سازه‌ای مربوط به آن از اهمیت زیادی برخوردار است که تحقیقات پیشین نیز اهمیت این موضوع را تصدیق می‌کنند (حسینی و طلوع دل، ۱۳۸۷؛ جمیری و همکاران، ۱۳۸۹؛ گلابچی و همکاران، ۱۳۸۲) در حالی که در برنامه درسی تأکیدی بر مسائل فنی و اصول نقشه‌کشی نشده است. به نظر می‌رسد که فرض برنامه بر این است که حوزه فنی و سازه‌ای در دروسی از جمله طراحی فنی، متره و برآورد و ایستایی در ترم‌های قبلی ارائه شده است و دانشجویان بر اساس این دانش کسب شده اقدام به طراحی می‌کنند. اما نکته مهم این است که در دروس یادشده به سیستم‌های سازه‌ای متناسب با طرح مجتمع‌های مسکونی و مصالح مناسب اشاره نشده است، بنابراین اکتفا صرف برنامه به دانش کسب‌شده در این دروس کفایت لازم را ایجاد نمی‌نماید. در این زمینه نظرات مصاحبه‌کنندگان بدین گونه بوده است: «در استفاده از مصالح به‌روز دنیا به دلیل هزینه بالای آن و همچنین نبود متخصص در اجرای آنها محدودیت‌هایی وجود دارد و همچنین مصالح باید زاده اقلیم

و متناسب با آن باشد، از این رو مصالح بوم آورد می‌تواند اقتصادی‌تر باشد و متخصص و استادکار مربوط به خود را داشته باشد» (مصاحبه‌شونده شماره ۹). «مصالح باید با توجه به زمینه طراحی، انتخاب شود از جمله بافت قدیم و یا جدید، یا شهرک جدید/التأسیس» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

حوزه تاریخ: حرفه بررسی بناهای تاریخی و سیر تحول معماری در دوران تاریخی را از عوامل مؤثر در طراحی مسکن بیان نموده است ولی در مقابل، این مقوله در برنامه درسی نادیده گرفته شده است. هرچند دروس تاریخ معماری به صورت مستقل در ترم‌های مختلف به دانشجویان ارائه می‌گردد، اما دانشجویان عملاً ارتباطی بین مباحث مطرح شده در این دروس با مسائل مرتبط با طراحی مسکن ایجاد نمی‌کنند. تأکید حرفه بر این موضوع به دلیل اهمیت مسائل هویتی در روزگار معاصر و لزوم توجه به سبک زندگی افراد و تغییرات این الگو در طول زمان است.

مباحث هنری: هرچند برنامه درسی و حرفه، ریز مقوله‌هایی همچون توجه به پیچیدگی در طراحی و دقت در ترکیب حجمی را به عنوان هنر یک معمار در طراحی می‌دانند، ولی برنامه درسی تأکیدی بر روی مباحث مربوط به زیبایی‌شناسی اثر و گرافیک ارائه ندارد و تکنیک خاصی برای طرح در برنامه و ارزشیابی آن در نظر گرفته نشده است.

حوزه نظر: حرفه مقوله نظریه‌پردازی و انتقاد در معماری را گامی مؤثر در ایجاد تحول در معماری می‌داند. از منظر حرفه مطالعه تطبیقی الگوهای مسکن با تجارب پیشین و یافتن تفاوت‌ها و اشتراکات موجود در گونه‌های مختلف می‌تواند یکی از گام‌های مؤثر در شناخت موضوع مسکن باشد. همچنین وجود فضای نقد و بررسی آثار معماران صاحب‌نام و آشنایی با تجربیات آنها مورد تأکید حرفه است، این در حالی است که حوزه نظر و نقد چندان مورد تأکید برنامه نبوده و تمرکز زیادی بر این موضوع در برنامه وجود ندارد.

مباحث شهرسازی: در مقوله مباحث شهری و شهرسازی، حرفه و برنامه درسی به صورت متناظر تحلیل‌های اقلیمی و آنالیز سایت را گام‌های مهم در شروع طراحی می‌دانند که غریب‌پور و توتونچی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای به اهمیت مسائل بومی منطقه‌ای نیز اشاره می‌کنند و «تأکید بر مؤلفه‌های مؤثر در طراحی حجم، جانمایی آن در سایت، انتخاب ورودی، جهت‌گیری و تقسیم‌بندی داخلی آن بر اساس آنالیز سایت و اقلیم است» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).

مباحث و اصول طراحی: معماری به عنوان یک دانش میان‌گستره تعریف می‌شود که طراحی فقط یک رویکرد آن است. در حوزه حرفه و برنامه درسی اصولی برای طراحی در نظر گرفته شده است. برنامه درسی بیشتر بر جنبه‌های طراحی کالبدی و سازمان‌دهی فضایی تأکید دارد ولی حرفه تأکید بر مباحث ارزشی، اعتباری ساختمان، ماهیت طراحی و امنیت آن دارد. در این زمینه می‌توان به پاره‌ای از اشارات مصاحبه‌شوندگان اشاره نمود. «در بحث کارهای اجرایی توسط معماران و پیمانکاران، از آن جهت که پیمانکاران همواره به دنبال حداقل اتفاقات در بنا هستند، پس کارفرما نیز کمترین اتفاقات را می‌بیند این در حالی است که کارفرمایان تمام ریزه کاری‌های زیبا را دیده‌اند و از آن رو به دنبال تغییر و اضافه کردن عناصری به سلیقه خود به بنا هستند، زیرا که کارفرما به دنبال حداکثر اتفاقات در مسکن خود است» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۲).

ضوابط و مقررات: ضوابط و مقررات از مقوله‌های پرتکرار و همچنین پراهمیت در حرفه است که می‌تواند طراحی را تحت تأثیر قرار دهد و الزاماً طراحی در چارچوب آن انجام می‌شود ولی در مقابل برنامه درسی این مقوله را نادیده گرفته است. عدم آشنایی دانشجویان با این مباحث از گلابه‌های اصلی حرفه از سیستم آموزشی است، «این ضوابط هیچ منافاتی با طراحی ندارد و می‌توان در این راستا طراحی کرد و خانه‌های برگزیده شده در مجلات و مسابقات نیز بر اساس همین ضوابط ساخته می‌شوند» (مصاحبه‌شونده شماره

۱۲). از نظر حرفه ضوابط موجود کمی هستند و اشاره‌ای به مباحث کیفی ندارند، از این رو این ضوابط باید بومی‌سازی و فرهنگ‌سازی شوند. «قانون‌گذاری فقط در رابطه با مباحث ساختمانی اتفاق افتاده است، نه در بحث معماری، قانون‌گذار با محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کند، سبب بروز خلاقیت در افراد می‌شود به شرطی که قوانین اندیشیده شده باشد» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۱). از منظر حرفه ضوابط موجود متناسب با شرایط جامعه و ماهیت رشته معماری نبوده و می‌بایست مورد بازنگری قرار گیرند. «ضوابط موجود از یک سو ذهن و خلاقیت افراد را محدود می‌کند ولی از سوی دیگر مانع از بلندپروازی‌های فرد در طراحی می‌شود» (مصاحبه‌شونده شماره ۵). «ضوابط به‌عنوان یک محدودیت، ذهن افراد را در یک چارچوب قرار می‌دهد که افراد خلاقیت خود را محدود به این قالب می‌کنند» (مصاحبه‌شونده شماره ۷). «قوانین و ضوابط الزاماً فرد را در چارچوب معین و محدود قرار می‌دهد و فرد نمی‌تواند با فکر آزاد دست به خلاقیت بزند» (مصاحبه‌شونده شماره ۸). «برای تمام جزئیات در سایت شهرداری ضوابط مربوط به آن است و ما در این ضوابط کمبود نداریم ولی در آموزش آن کمبود است و باید ضوابط به‌روز ارائه و در طراحی کنترل شود» (مصاحبه‌شونده شماره ۹).

• **نگرش نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان دادند که حرفه نسبت به برخی مسائل مربوط به حوزه نگرش دارای حساسیت است. بعد نگرشی مورد تأکید حرفه شامل مجموعه‌ای از مباحث در حوزه‌های مخاطب‌شناسی و جامعه‌شناسی در زمینه‌های مختلف و همچنین فکر معمار و تربیت معمار می‌شود.**

مخاطب‌شناسی: مباحث مربوط به شناخت مخاطب، نیازهای افراد، سبک و سلیقه زندگی و اعتقادات آنها از مقوله‌های پرتکرار در حرفه است که نشان از اهمیت فراوان آن در طراحی مسکن دارد، این در حالی است که جای خالی این مقوله در برنامه درسی به وضوح مشخص است. چرا که برنامه درسی موجود مبتنی بر طراحی مجتمع مسکونی فرضی بوده و تأکیدی بر مسائل ذهنی سایت نشده است. به اعتقاد حرفه ایجاد ارتباط با مردم و کاربر می‌تواند سبب شناخت مسائل توسط معمار شود و در ادامه، طراحی بر اساس توجه به نیازها و خواست مردم صورت بگیرد، «باید بهره‌برداران را مورد مطالعه و تحقیق قرارداد که از چه نوع کشری هستند» (مصاحبه‌شونده شماره ۹). «جامعه باید برای افراد موجود برنامه‌ریزی کند نه اینکه از جامعه تأثیر بپذیرد؛ سلیقه و نیاز کاربران به‌عنوان یک پارامتر مؤثر در طراحی است و نه الزاماً تنها پارامتر موجود، که طراح با استفاده از هنر و توانایی خود باید بر اساس نیاز کاربران و ضوابط و مبانی معماری اقدام به طراحی کند» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).

جامعه‌شناسی: شناخت جامعه شهری که افراد در آن زندگی می‌کنند و روانشناسی مربوط به آن محیط نیز از مقوله‌های مورد تأکید حرفه است که جای آن در برنامه درسی خالی است زیرا زندگی افراد متأثر از جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کنند.

مباحث زمینه‌ای: حرفه و برنامه درسی در ریز مقوله‌های مربوط به مباحث زمینه‌ای فرهنگی، اجتماعی تأکید دارند با این تفاوت که برنامه درسی مباحث اقتصادی و سیاسی را مورد ملاحظه قرار نمی‌دهد در حالی که تمرکز حرفه پیرامون این دو حوزه است. «اگر برای یک فرهنگ آشنا طراحی کنیم (اطلاعات به‌جز حوزه دانشی) به‌صورت بالفطره در وجود معماران است و افراد با آگاهی از طراحی می‌کنند» (مصاحبه‌شونده شماره ۲).

طبیعت‌گرایی: یکی از رویکردهای مهم در برنامه درسی و حرفه توجه به طبیعت و منظر بود که «در طراحی سایت و محیط اطراف می‌تواند به عنوان یک محور سبز در ارتباط با طبیعت شکل گیرد» (مصاحبه‌شونده شماره ۱) و «این روزها کودکان از فضای سبز و طبیعت قهر هستند» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰) و می‌تواند بر ادراک افراد از محیط تأثیرگذار باشد.

شالوده فکری معمار: در حرفه قدرت و توانایی ذهنی و خلاقیت طراح به‌عنوان عواملی برای بروز خلاقیت

وی و ایده پردازی‌های او بیان شده است و این امر مهم است که ایده‌پردازی و سیر فکری معمار با نظر مردم ترکیب شود، تأکید حرفه بر همسویی طراحان با مخاطبان و طراحی بر مبنای نیازها و خواست‌های آنان است، در حالی که برنامه درسی چنین الزامی برای دانشجویان در نظر نگرفته و خط فکری دانشجویان بیشتر تحت تأثیر مبانی معرفتی و فکری حاکم بر فضای آموزشی دانشگاه است. معمولاً در این راه آخرین نظریات مطرح در حوزه معماری بیشترین توجهات را به خود معطوف می‌دارند.

تربیت معمار: قبلاً عنوان گردید که هدف اصلی برنامه درسی و حرفه در تربیت معمارانی است که توانایی کیفیت‌بخشی به معماری و پاسخ به نیازهای کاربران را داشته باشند که این اهداف در هردو حوزه همپوشانی دارد. «تلاش برای تربیت یک فرد معمار و منتقد و نه الزاماً طراح می‌تواند بسیار ارزشمندتر از تربیت یک تاریخ‌دان و نظریه‌پرداز باشد و دانشگاه باید به معماران دیدگاه و بینش بدهد» (مصاحبه‌شونده شماره ۱).

• **مهارت** بعد مهارتی توجه به توانش معماران دارد که می‌توان با روش‌های مختلف کارآموزی و بهره‌مندی از تجربه حرفه؛ به پرورش این توانایی پرداخت. بعد مهارتی و تمام مقوله‌های مربوط به کارآموزی و ارتباط و همکاری با حرفه برای کسب توانایی عملی از سوی برنامه درسی نادیده گرفته شده است. این در حالی است که کارآموزی از مقوله‌های پرتکرار و دارای اهمیت در انتظارات حرفه است. از نتایج مصاحبه‌ها مقوله‌هایی در ارتباط با حرفه و کار مشارکتی در راستای کسب تجارب عملی در بعد مهارتی استخراج گردید.

کارآموزی: حرفه اهمیت بسیار بالایی به امر کارآموزی قائل است. با توجه به اینکه پس از فارغ‌التحصیلی بیشترین کار فرد در زمینه مسکن است، بنا بر اعتقاد حرفه کارآموزی در شرکت‌های فنی و مهندسی باید هم‌راستا با دوره تحصیل صورت پذیرد و نظام آموزشی بهاء بیشتری به امر کارآموزی بدهد. در این زمینه بازدید از کارگاه‌های ساختمانی در حال ساخت‌وساز توسط حرفه توصیه شده است.

تجربه کاری: باید توجه کرد که آموزش دانشگاهی هیچ منافاتی با حرفه ندارد، زیرا راهکارهایی که در دانشگاه آموزش داده شده است، در حرفه مورد استفاده قرار می‌گیرد پس می‌توان در این زمینه از تجارب افراد کار بلد و حرفه‌ای به‌عنوان راهکارهایی در طراحی استفاده کرد که در این حوزه سابقه دارند، زیرا در دانشگاه‌ها زمان کافی برای تجربه‌های عملی نیست و دانشگاه مانند یک کلید برای ورود به حرفه و کارهای اجرایی است.

ارتباط با حرفه: یکی از دغدغه‌های اصلی حرفه، عدم ارتباط مناسب سیستم آموزشی با حوزه حرفه است. بنابر اعتقاد حرفه، افراد در ارتباط با حرفه می‌توانند بستری را فراهم کنند که با بازار کار بیشتر آشنا شوند و زمینه‌های فعالیت‌های عملی را به وجود آورند (شریعت راد و مهدوی‌پور، ۱۳۸۷) و در نتیجه به کم شدن فاصله بین حرفه و دانشگاه کمک نمایند. «می‌توان از افراد موجود در حرفه در کنار اساتید فعال در حوزه آموزش و پژوهش استفاده کرد تا ارتباط بین حرفه و دانشگاه بهتر شود» (مصاحبه‌شونده شماره ۱۰).

کار مشارکتی: بنابر اعتقاد حرفه ارتباط بین فارغ‌التحصیلان تخصص‌های مختلف نظام ساختمان (معماری، سازه، برق، مکانیک، نقشه‌برداری و سایر رشته‌ها) و همچنین فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های مختلف (آزاد و سراسری) و از سویی دیگر تعامل دانشگاه‌ها در کارهای اجرایی با سازمان نظام‌مهندسی، شهرداری‌ها و دیگر سازمان‌ها، سبب تعامل آنها با یکدیگر می‌شود و زمینه‌هایی برای فعالیت‌های عملی دانشجویان فراهم می‌شود.

جدول ۳. مقوله‌های اصلی مستخرج از مصاحبه‌های معماران

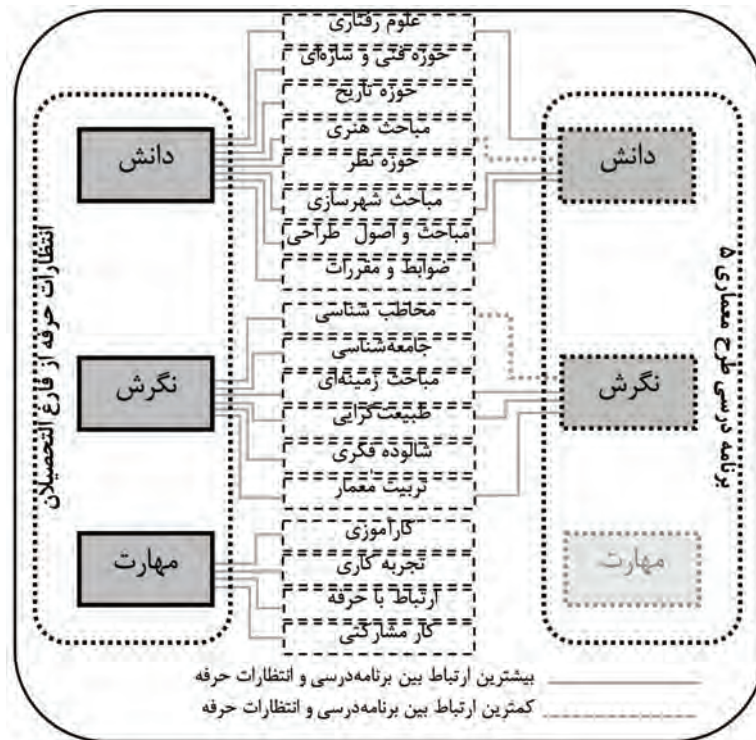
مقوله‌بندی مصاحبه‌ها	هدف	محتوا	روش آموزش
دانشی	علوم رفتاری	حوزه‌های رفتاری افراد(۶) • توجه به تعاملات اجتماعی افراد(۲)	روش آموزش
	حوزه فنی و سازهای	سیستم‌های نوین ساختمانی(۱) • مسائل مربوط به خاک، ژئوتکنیک، خطوط هوایی(۱)	
	حوزه تاریخ	جزئیات فنی ساختمان، ایستایی، متره، دروس کارگاهی، نقشه‌کشی و ترسیم فنی(۹*)	
	مباحث هنری	یافت و جزئیات(۵) • مصالح شناسی(تعمیر و نگهداری)(۱۱*)	
	حوزه نظر	سیر تحول در معماری(۲) • بررسی بناهای تاریخی برای شناخت قشر مردمی(۴)	
	مباحث شهرسازی	تکنیک ارائه، گرافیک طراحی(۵) • ترکیب حجم(۷)	
	مباحث اصول طراحی	حس زیبایی‌شناختی، شناخت رنگ، نقاشی(۳) • پیچیدگی طراحی(۲)	
	مباحث و اصول طراحی	نگرش فلسفی به موضوع طراحی مسکن(۱) • نظریه پردازی(۴) • نقد و مناظره(۳)	
	مباحث و اصول طراحی	روش خاص در مسکن مانند رویکرد شهرسازی، زیست اجتماعی(۱)	
	مباحث و اصول طراحی	تعریف جامع و کامل از مسکن و شناخت موضوع(۴)	
تجربگی	مباحث و اصول طراحی	بررسی الگوهای مسکن قدیمی و جدید(۲)	همکاری مشترک حرفه و دانشگاه در زمینه تدریس در قالب برگزاری کارگاه‌های آموزشی
	مباحث و اصول طراحی	طرح تفصیلی شهر(۲) • تحلیل و آنالیز سایت(۵)	
	مباحث و اصول طراحی	تجزیه و تحلیل اقلیم(۷*) • بومی‌سازی(۲)	
	مباحث و اصول طراحی	فضای جانبی مانند خدماتی، فضای بازی، اسکان اضطراری، فضاهای جمعی و فضاهای امن (پدافند غیرعامل)(۳) • طراحی فضاهای داخلی و ریز فضاهای خانه‌ها(۴)	
	مباحث و اصول طراحی	مدیریت بحران و انرژی(۱) • ماهیت طراحی (مکان‌یابی، طراحی بر اساس سرنانه)(۲)	
	مباحث و اصول طراحی	مباحث ارزشی و اعتباری معماری ساختمان و عمر مفید ساختمان(۳)	
	مباحث و اصول طراحی	حفظ امنیت در مقابل تهدیدات بیرونی(۱) • انعطاف‌پذیری(۲) • حریمیت بصری(۲)	
	مباحث و اصول طراحی	توجه به ضوابط نما، آسانسور، پله، ترافیک شهری، سایه‌اندازی، اشرافیت، تأمین پارکینگ، جهت‌گیری بنا(۱۲*) • رعایت حداقل استانداردهای مهندسی(۴)	
	مباحث و اصول طراحی	علوم انسانی و علوم رفتاری(۳) • روانشناسی فردی و قلمرو و حریم افراد(۵)	
	مباحث و اصول طراحی	ارتباط با مردم و شناخت آن‌ها(۲) • نیاز معماری افراد و آرامش، آسایش و رفاه(۶)	
کارآزمویی	مباحث و اصول طراحی	تعاملات اجتماعی(۳) • سبک زندگی و انگیزه افراد از شکل‌گیری فضای زیسته(۴)	کارآموزی در شرکت‌ها(۱۱*)
	مباحث و اصول طراحی	سلیقه مردم و ذهنیت عامه(۲) • آموزه‌ها و اعتقادات افراد در منطقه موردنظر(۲)	
	مباحث و اصول طراحی	جامعه‌شناسی شهری(۴) • روانشناسی محیطی(۸)	
	مباحث و اصول طراحی	حوزه فرهنگی و الگوسازی(۱۱*) • حوزه سیاسی(۲)	
	مباحث و اصول طراحی	علوم اجتماعی(۱) • اقتصاد مسکن(۵) • توجه به جنبه‌های هویتی(۳)	
	مباحث و اصول طراحی	محیط‌زیست و فضای سبز(۵) • دید و منظر (طراحی منظر و محیط)(۳)	
	مباحث و اصول طراحی	قدرت تخیل، قدرت عینیت بخشیدن به ذهنیت(۶) • خلاقیت(۱۰*)	
	مباحث و اصول طراحی	کانسپت و ایده پردازی(۹*) • مطالعات و فکر آزاد(۲)	
	مباحث و اصول طراحی	کیفیت‌بخشی به فضا(۳) • پاسخ به نیازهای ساکنین(۱۱*)	
	مباحث و اصول طراحی	تمرین حرفه‌ای(۹*) • معرفی به شرکت فنی مهندسی(۶) • راستی آزمایی کار دانشجویی(۱)	
کار مشارکتی	مباحث و اصول طراحی	تجارب همکاران و دانشجویان ترم بالایی(۴) • مدیریت در کارهای اجرایی(۱)	بازدید از کارگاه‌های ساختمانی(۷)
	مباحث و اصول طراحی	آشنایی با فضای حرفه و کار(۶*) • استفاده از شرکت‌های فعال در حوزه تدریس(۳)	
	مباحث و اصول طراحی	ارتباط بین دانشگاه‌ها(۳) • تعامل بین مسائل سازه‌ای، تأسیساتی، برق، مکانیک(۴)	
	مباحث و اصول طراحی	تعامل دانشگاه با سازمان نظام‌مهندسی و سازمان مسکن و شهرسازی(۴)	

اعداد داخل پرانتز(....) بیانگر میزان تکرار ریزمقوله موردنظر در بین جامعه مصاحبه‌شونده است و مواردی که با * مشخص شده‌اند، جزو یافته‌های پرتکرار است.

بحث

استناد به نتایج حاصل از مقوله‌بندی محتوای مصاحبه‌ها و استخراج ریز مقوله‌ها از آن، و مقایسه آن با برنامه درسی طرح معماری ۵، نشان داد که بین انتظارات برنامه از دانشجویان (جدول ۲) و انتظارات حرفه از دانشجویان (جدول ۳) تفاوت‌هایی وجود دارد. این تفاوت‌ها در سه حوزه دانش، نگرش و مهارت قابل طرح است که به‌طور

مشخص به شکاف موجود بین برنامه درسی و نتایج حاصل از مصاحبه در راستای انتظارات حرفه از فارغ‌التحصیلان اشاره دارد که طبق شکل ۳ این فاصله در بین مقوله‌های مربوط به بعد دانش و نگرش کمتر از بعد مهارت است، به گونه‌ای که بعد مهارت در برنامه درسی به‌طور کلی نادیده گرفته شده است، بنابراین علی‌رغم اهمیت مسائل فنی و سازه‌ای از منظر بازار کار، انتظارات حرفه از آموزش معماری به این موضوع محدود نمی‌گردد و پرداختن به موضوعات گسترده و ایجاد تغییرات بنیادین در عرصه برنامه‌ریزی درسی لازم است.



شکل ۳. رابطه بین مؤلفه‌های مؤثر در حرفه و برنامه درسی

نتیجه‌گیری

بررسی میزان کارآمدی برنامه درسی طرح معماری ۵ مصوب وزارت علوم در سیستم آموزش عالی معماری نشان از آن دارد که این برنامه می‌کوشد تا در طول تحصیل حوزه‌های مختلف دانشی، نگرشی و مهارتی را به معماران آموزش دهد تا بدین‌وسیله توانایی‌های لازم را در آنها ایجاد کرده و آنان را شایسته ورود به حرفه نماید. اما بررسی انتظارات جامعه حرفه‌ای از فارغ‌التحصیلان رشته معماری نشان از عدم تطابق کامل بین انتظارات حرفه و اهداف آموزشی دانشگاه دارد. از این‌رو برنامه درسی جهت کارآمدی بهتر نیازمند توجه و اصلاح است. این توجه و اصلاح در ابعاد مختلف برنامه درسی قابل طرح است.

نتایج این مطالعه نشان داد، برنامه درسی در بعد دانشی نیازمند توجه جدی‌تر و عمیق‌تر به مباحث فنی و سازه‌ای و تأکید بیشتر بر ضوابط و مقررات حاکم بر ساخت مجموعه‌های مسکونی است. همچنین برنامه درسی در بعد نگرشی نیازمند تمرکز بر مباحث مخاطب‌شناسی و جامعه‌شناسی و زمینه‌ای دارد. در کنار این مباحث توجه برنامه بر شالوده فکری معمار و تربیت معماران اهل تفکر و اندیشه و دغدغه‌مند از سایر مسائل مورد توجه حرفه است. اما بزرگ‌ترین ضعف برنامه درسی در حوزه مهارت است. درحالی‌که جامعه حرفه‌ای بر تقویت روحیه مشارکتی در فارغ‌التحصیلان، ایجاد کارآموزی قبل از ورود به حرفه و لزوم ارتباط عمیق‌تر حرفه

با دانشگاه و لزوم انتقال تجربه متخصصین به فارغ التحصیلان تأکید ویژه دارد، بعد مهارتی تقریباً جایگاهی در برنامه فعلی آموزش مسکن ندارد.

مجموع مباحث مطرح شده در این مطالعه نشان از اهمیت بازنگری اساسی و تخصصی در برنامه مصوب آموزش مسکن و وارد کردن مباحث مورد انتظار حرفه در این برنامه جهت کارآمدی بهتر دارد. البته امکان آموزش مستقیم تعدادی از این مباحث مانند تقویت بنیان شالوده فکری معمار در چارچوب برنامه یک درس نمی‌گنجد و می‌بایست در کل برنامه آموزش معماری مورد توجه قرار گیرد. نحوه انجام این موضوع می‌تواند موضوع تحقیق‌های پیش رو باشد.

همچنین نتایج مطالعه در زمینه بررسی و ارزیابی برنامه درسی مصوب وزارت علوم (متغیر مستقل) قابل تعمیم به تمام دانشگاه‌های ایران است، چراکه تمام دانشگاه‌ها از برنامه یکسان تبعیت می‌کنند. اما نتایج تحقیق در زمینه بحث انتظارات حرفه (متغیر وابسته) از فارغ التحصیلان به علت اینکه جامعه آماری از جامعه حرفه‌ای تبریز انتخاب شده است، متمرکز بر شهر تبریز است.

پی‌نوشت‌ها

1. Semi-structured interview
2. Gulbahar
3. Patankar, Jadhav
4. Oliver
۵. دانشگاه‌هایی که دارای هیات ممیزه هستند، تغییراتی در این برنامه اعمال نموده‌اند که تعداد آنها به ۳ دانشکده محدود بوده است (از جمله دانشگاه‌های تهران، شهید بهشتی و علم و صنعت) و سایر دانشگاه‌ها بر اساس همین برنامه ابلاغی فعالیت می‌نمایند.
۶. برنامه درسی دوره کارشناسی رشته مهندسی معماری که بر اساس آیین‌نامه شماره ۲۱/۲۳۸۰۶ وزارت علوم تحقیقات و فناوری، مصوب جلسه در مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۰۶ شورای عالی برنامه‌ریزی درسی دانشگاه بازنگری شده است.
7. Purposive sampling
8. Maximum variation
9. Theoretical saturation

فهرست منابع

- احمدی، غلامعلی، و نریمانی زمان‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۸). دانش، نگرش و مهارت‌های مورد نیاز مدیران مدارس در مدیریت تغییر. *مجله مدارس کارآمد*، ۴، ۵۵-۵۰.
- انتظاریان، ناهید، و طهماسبی، طاهره (۱۳۹۰). بررسی میزان هماهنگی و انطباق نظام آموزش عالی و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار. *ماهنامه کار و جامعه*، ۱۴۰، ۷۱-۵۹.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۸). چگونگی ارزشیابی برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۳، ۵۵-۶۶.
- جمیری، وحیده، حاتمی، جواد، فتحی‌آذر، اسکندر، و پاکدل‌فرد، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته کارشناسی مهندسی معماری با نیازهای بازار کار در ایران. *دوفصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی*، ۲، ۱۱۱-۱۳۳.
- حجت، عیسی (۱۳۹۰). *مشق معماری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حجت، عیسی (۱۳۹۳). *سنت و بدعت در آموزش معماری*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- حسینی، باقر، و طلوع‌دل، محمدصادق (۱۳۸۷). همگرایی در آموزش محتوای دروس فنی رشته معماری. *مجله فناوری و آموزش*، ۴، ۲۷۳-۲۸۲.

- خوشنویسان، فاطمه، نصر، احمدرضا، نیستانی، محمدرضا، و شریف، مصطفی (۱۳۹۵). بررسی نیاز آموزشی دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حوزه قابلیت‌های عام اشتغال‌زای مورد انتظار بازار کار با رویکرد کارآفرینی: یافته‌های یک مطالعه آمیخته. فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۲۶، ۶۸-۸۴.
- سیدمن، اروینک (۱۳۹۵). مصاحبه به‌عنوان یک روش پژوهش کیفی؛ راهنمای پژوهشگران علوم تربیتی، اجتماعی و انسانی (مترجمان: علی کوشازاده، علیرضا جابری و سارا حسینی ارانی). تهران: انتشارات مهکامه (نشر اصلی اثر ۲۰۱۳).
- شریعت‌راد، فرهاد، و مهدوی‌پور، حسین (۱۳۸۷). ارزیابی نقش درس طرح معماری ۴ در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری دانشگاه یزد. نشریه هنرهای زیبا، ۳۶، ۴۹-۵۷.
- شریفیان، فریدون، و مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۳). تبیین قابلیت‌های دیسیپلینی برنامه درسی و تعیین جایگاه آن در طبقه‌بندی دیسیپلین‌های علمی. دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی، ۲، ۱۶۱-۱۸۴.
- شکاری، عباس، و خدادادی، مهدی (۱۳۹۰). کاربری اصول و معیارهای سازمان‌دهی محتوای برنامه درسی تاریخ ایران و جهان در دوره متوسطه. مجله پژوهش‌های برنامه درسی، ۲، ۵۷-۸۰.
- شورای عالی برنامه‌ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۵). مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد معماری، مصوب ۱۳۷۵/۱۰/۹.
- شورای عالی برنامه‌ریزی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۷۷). مشخصات کلی، برنامه و سرفصل دروس دوره کارشناسی مهندسی معماری، مصوب ۱۳۷۷/۸/۲۴.
- عادل مهربان، مرضیه (۱۳۹۴). مروری بر تحلیل محتوای کیفی و کاربرد آن در پژوهش. اصفهان: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان اصفهان.
- علی‌الحسابی، مهران، و نوروزیان ملکی، سعید (۱۳۸۸). تجربه آموزش طراحی در مدارس معماری. نشریه علمی و پژوهشی فناوری آموزش، ۴، ۳۲۳-۳۳۷.
- غریب‌پور، افرا، و توتونچی مقدم، مارال (۱۳۹۵). ارزیابی برنامه‌های آموزش معماری دوره کارشناسی در ایران از منظر توجه به مؤلفه‌های فرهنگی. نشریه علمی و پژوهشی مطالعات معماری ایران، ۱۰، ۱۴۱-۱۶۰.
- فتحی واجارگاه، کورش، و شفیعی، ناهید (۱۳۸۶). ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی (مورد برنامه درسی آموزش بزرگسالان). فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۵، ۱-۲۶.
- گلابچی، محمود، وفامهر، محسن، و شاهرودی، عباسعلی (۱۳۸۲). بررسی و ارزیابی آموزش دروس فن ساختمان در رشته معماری. امیر سعید محمودی (ویراستار)، مجموعه مقالات دومین همایش آموزش معماری؛ بررسی چالش‌ها، جستجوی راهکارها (۱۹۳-۲۱۸). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلاچر، کترین (۱۳۸۲). مدیریت تغییر در کتابخانه‌ها و خدمات اطلاعاتی (مترجم: لیلا مرتضائی). تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران (نشر اصلی اثر ۲۰۰۰).
- مک اندرو، فرانسیس تی (۱۳۹۲). روان‌شناسی محیطی (مترجم: غلامرضا محمودی). تهران: نشر وانی (نشر اصلی اثر ۲۰۱۵).
- مؤمنی مهموئی، محسن (۱۳۸۸). ارزشیابی برنامه درسی در آموزش عالی. مجله راهبردهای آموزش، ۲، ۱۳-۱۵.
- مهدوی‌پور، حسین، و شریعت‌راد، فرهاد (۱۳۹۱). ارزیابی نقش درس طرح نهایی در توان حرفه‌ای دانش‌آموختگان معماری دانشگاه یزد. مجله صفه، ۵۹، ۲۵-۳۶.
- ندیمی، حمید، و شریعت‌مدار، فرهاد (۱۳۹۱). منابع ایده پردازی معماری جستاری در فرآیند ایده پردازی چند معمار از جامعه حرفه‌ای کشور. نشریه هنرهای زیبا، ۲، ۵-۱۴.
- Alkin, M. (1989). Three Decades of Curriculum Evaluation. *The International Encyclopedia of Curriculum*. Oxford: Pergamon Press.
- Bektas, C., & Sohrabifard, N. (2013). Terms of Organizational Psychology, Personnel Empowerment and Team Working: A Case Study. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 82, 886-891.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2010). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (3rd ed). Los Angeles, CA: Sage Publication Inc.
- Gulbahar, Y. (2008). ICT usage in higher education: a case study on perspective teacher & instructors. *The Turkish Online Journal of Educational Technology*, 7(1), 32-37.
- Klein, M. F. (1981). A Conceptual Framework for Curriculum Decision Making, In M. F. Klein (Ed),

the Politics of Curriculum Decision Making: Issues in Centralizing the Curriculum (24-41). Albany: State University of New York Press.

- Oliver, R., Kersten, H., Vinkka-Puhakka, H., Alpasan, G., Bearn, D., Cema, I., ... & White, D. (2008). Curriculum structure: principles and strategy. *European Journal of Dental Education*. 12 (s1), 74-84.
- Patankar, P. S., & Jadhav, M. S. (2013). Role of teachers' in curriculum development for teacher education. *National conference on Challenges in Teacher Education, Physical Education and Sports*. Kolhapur, Maharashtra, India (416004).
- Schreiber, S (2010). Education for Architecture in the United States and Canada, In P. P. B. McGaw (Ed.), *International Encyclopedia of Education* (3rd ed) (13-18). Oxford: Elsevier.
- Tyler, R. (1949). *Basic Principles of Curriculum and Instruction*. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Wallace, J. C., Johnson, P. D., Mathe, K., & Paul, J. (2011). Structural and psychological empowerment climates, performance, and the moderating role of shared felt accountability: a managerial perspective. *The Journal of Applied Psychology*, 96, 4, 840-850.

Evaluating the Effectiveness of the Approved Housing Education Program (Architecture Studio 5) Based on the Expectations of the Professional Community of Architecture Graduates A Case Study of the Professional Community in Tabriz

Hamed Beyti

Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran (Corresponding Author)

Minou Gharehbaglou

Professor, Department of Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Tabriz, Iran

Elnaz Nazarzadeh Ansaroudi

M. A. in Architecture, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz Islamic Art University, Faculty of Architecture and Urbanism, Tabriz, Iran

Abstract

According to a number of scholars, addressing curriculum planning is an indispensable method to improve the quality of education. Nowadays, the fact that university graduates lack the required competence to enter the profession points to a huge gap between university education and actual professional requirements in the market. This highlights the need to improve the quality of architectural education, the training of architects, and professional competence according to the needs of society. The main purpose of the Architecture Studio 5 is to train architects to respond to the residential needs of the people and prepare them for the profession (the main purpose of the field of architecture), and there is no consistent training method. This research aims to evaluate the curriculum for Architecture Studio 5 in terms of preparing the students for the required professional competence and tries to answer the following question: "What is the relationship between professional competence in graduates of architecture in the field of housing and the curriculum for Architecture Studio 5 offered at the Faculty of Architecture?" In the first step, this study sets out the theoretical foundations of the research using a qualitative approach and the descriptive-analytical method. Then, it investigates the factors affecting the Architecture Studio 5 curriculum structure by extracting the dimensions and components that form the curriculum. Since the purpose of this study is to identify the factors affecting curriculum structure, the next step involves data collection, library resources and qualitative in-depth semi-structured interviews with professional architects set up by the authors. The factors affecting training and curriculum structure are extracted by analyzing the contents of interviews in a field survey. The statistical population of specialized architects participating in the interview includes CEOs of architectural consulting companies active in the field of housing design and specialists at East Azerbaijan Province's Construction Engineering Organization selected with purposive, maximum variation sampling. The number of interview participants is determined through theoretical saturation. The results of the present study – concerning the categorization of interview contents, the extraction of sub-categories, and comparing them with the curriculum for Architecture Studio 5 – show that there are differences between curriculum expectations from students and indices of career competence. These differences can be identified in three areas: knowledge, attitude, and skill. The results of the interview point to gaps between curriculum expectations and indices of career competence, which are relatively wider in the knowledge and attitude dimensions compared to the skill dimension such as the fact that the main curriculum component is completely overlooked. Furthermore, there are significant gaps between curriculum expectations and indices of career competence in the knowledge and attitude dimensions in terms of rules and regulations as well as in terms of sociology and audience analysis. In conclusion, despite the importance of technical and structural issues from a labor market perspective, indices of career competence in architectural education are not limited to this subject. Therefore, it is necessary to address broader issues and apply more fundamental changes to the curriculum.

Keywords: Curriculum, curriculum structure, architectural training, architectural studio 5, housing